بسمه تعالی

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

فهرست مطالب:

[ادامه مساله 5 1](#_Toc135556182)

[کلام محقق سیستانی 1](#_Toc135556183)

[بررسی مراتب زیاده 2](#_Toc135556184)

[مساله 6 5](#_Toc135556185)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته در انتهای مساله 4 کلام محقق سیستانی مورد بررسی قرار گرفت و بعد مساله 5 مطرح شد که زیاده رکوع جلوسی و ایمائی مبطل است همانطور که نقیصه آن هم مبطل است و در نهایت کلام محقق خوئی مطرح شد.

# ادامه مساله 5

در مساله 5 بحث در این بود که ایماء به رکوع در غیر محلش، آیا زیاده مبطله است که نظر صاحب عروه است یا زیاده مبطله نیست؟

## کلام محقق سیستانی

محقق سیستانی که در صدق زیاده، مسانخ بودن زاید را با مزید فیه کافی می دانند و قصد جزئیت داشتن یا نداشتن را مهم نمی دانند، در این مساله فرمودند: فعل زاید مسانخت با شخص این نماز باید داشته باشد و ایماء به رکوع یا سجود در نماز ایستاده یا نشسته، جزء مسانخ با این نماز نیست. با این بیان ایشان، عمدا هم اگر زیاد شود، مبطل نیست؛ چون صدق زیاده نمی کند و می تواند شاهد ایشان برخی روایات باشد که در استماع آیه سجده واجب در نماز فرمودند: مستمع ایماء به سجود کند، مثل موثقه سماعه:

«وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: مَنْ قَرَأَ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ فَإِذَا خَتَمَهَا فَلْيَسْجُدْ- فَإِذَا قَامَ فَلْيَقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ لْيَرْكَعْ- قَالَ وَ إِذَا ابْتُلِيتَ بِهَا مَعَ إِمَامٍ لَا يَسْجُدُ- فَيُجْزِيكَ الْإِيمَاءُ وَ الرُّكُوعُ»[[1]](#footnote-1)

البته ممکن است از این شاهد جواب داده شود که این فرد نماز ایستاده می خواند و آیه سجده دار شنیده است و امام فرمودند: ایماء به سجده کند و سجده نکند.

این مفادش این نیست که ایماء به سجود، صدق زیاده نمی کند، شاید از این جهت است که ایماء به سجود، اخف محذورا است.

اما علی القاعده می توان بررسی کرد تا نظر عرف را در این زمینه بدست آورد.

## بررسی مراتب زیاده

در صدق زیاده، مراتبی هست که برخی واضحتر است که مصداق زیاده است و برخی خفاء دارد.

**مرتبه اول**: در صدق زیاده، زاید مصداق عنوان مزید فیه باشد و قصد جزئیت هم در مرکب ارتباطی داشته باشد، که از واضحترین مصادیق زیاده است. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در کتاب الصلاه فرمودند: قدر متیقن از من زاد فی صلاته، همین است؛ یعنی زاد فی صلاته صلاة و لذا کمتر از یک رکعت باشد، مشمول من زاد فی صلاته نیست، تشبیه می کنند به زاد الله فی عمرک که زاید خودش عمر است یا زاد فی اللبن، زائد لبن است و الا اگر سنگ داخل لبن بیندازد، زاد صدق نمی کند. اما به نظر ما این درست نیست که صدق زیاده را منحصر در مرتبه اول بدانیم؛ لذا اگر کسی در طواف هفت شوط و نیم طواف کند با اینکه نیم شوط طواف نیست اما صدق زاد فی طوافه می کند.

در روایت فان السجود زیاده فی المکتوبه، سجود مسمای صلاه نیست و به خود سجود که صلاه نمی گویند.

**مرتبه دوم:** جزء مسانخ باشد با عمل و به قصد جزئیت هم باشد، مثلا در نماز ایمائی به جای یکبار ایماء به رکوع، دوبار ایماء به رکوع کند، جزء مسانخ با همین نماز به قصد جزئیت این نماز، آورده شده است که در این مرتبه هم صدق زیاده می کند.

**مرتبه سوم:** جزء مسانخ را بدون قصد جزئیت بیاورد، مثلا در نماز ایمائی، ایماء به سجود بکند اما به قصد سجود تلاوت باشد و قصد جزئیت نماز نیست؛ آیا عرفا به این زاد فی صلاته گفته می شود؟ برای ما این صدق عرفی روشن نیست. این فرد خفی است.

محقق سیستانی این مرتبه سوم را عرفا مصداق زیاده می دانند؛ چون جزء مسانخ با این نماز است ولو بدون قصد جزئیت باشد.

فقط ادعایی که می کردیم این است که روایت زراره فرمود: در نماز آیه سجده دار نخوانید؛ چون مجبور به سجده کردن می شوید و تعلیل کردند به اینکه « فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ»[[2]](#footnote-2).

این فرد خفی را توضیح می دهد؛ چون قصد جزئیت نداشته اما سجود تلاوت مسانخ با اجزاء نماز این فرد بوده است و کشف می شود که مراد از نهی از زیاده در نماز، اعم از این مرتبه است و این بعید نیست و ما به برکت روایت زراره مربته سوم را هم می پذیریم و نتیجه این می شود کسی در نماز ایمائی، ایماء به رکوع یا سجود کند، چه با قصد جزئیت و چه بدون قصد جزئیت باشد، زیاده است و اگر عمدا انجام دهد، نماز باطل است اما اگر سهوا باشد، مشمول حدیث لاتعاد است؛ چون زیاده رکوع عرفی از حدیث لاتعاد مستثنی است.

**مرتبه چهارم:** جزء مسانخ یک نماز دیگر که مامور به این فرد نیست را با قصد جزئیت بیاورد، مثل اینکه در نماز ایستاده، به قصد جزئیت، ایماء به رکوع کند یا مثلا وظیفه اش نماز عاریا است اما در سجده به صورت کامل سجده می کند و قصد جزئیت هم می کند؛ در این صورت هم به نظر عرفا زیاده صدق می کند.

**مرتبه پنجم:** جزء مسانخ نمازهای دیگر را می آورد اما قصد جزئیت نمی کند، محقق سیستانی مثال می زنند به اینکه فرد در نماز ایستاده یا نشسته، ایماء به رکوع یا سجود می کند که جزء مسانخ این نماز نیست و قصد جزئیت هم ندارد، ایشان قائلند که مسانخت کافی است اما مسانخت با نماز مامور به که در این مثال مسانخت با نماز مامور به را ندارد.

اگر مثال را عوض کنیم آیا ارتکاز همراهی می کند؟ مثل اینکه فردی وظیفه اش نماز ایستاده عریانا مومیا است و در حال نماز آیه سجده دار می شنود و به سجود عرفی می رود و قصد جزئیت هم ندارد؛ چون سجده تلاوت است. آیا فان السجود زیاده فی المکتوبه شامل این فرد می شود با اینکه قصد جزئیت ندارد و مسانخ با این نماز هم نیست؟ واقعا صدق زیاده مشکل است.

فقط یک نقض می ماند که کسی وظیفه اش نماز ایستاده است و رکوع جلوسی بدون قصد جزئیت می کند؛ چون یادش می آید که نذر کرده سر فلان ساعت رکوع (اعم از رکوع جلوسی و قیامی) برای خدا کند. این فرد ملاحظه کرد که اگر رکوع قیامی کند جزء مسانخ را آورده است؛ لذا رکوع جلوسی می کند که جزء مسانخ با نماز نباشد و قصد جزئیت هم ندارد؛ چون قصد ادای نذر را دارد. این مثال هم محل اشکال است که صدق زیاده می کند یا خیر؛ چون فان السجود زیاده فی المکتوبه اطلاق ندارد که ولو مسانخ با سجود او نباشد.

 **مرتبه ششم:** جزء غیر مسانخ با هر نمازی را بیاورد اما با قصد جزئیت باشد؛ محقق خوئی فرمودند: این زیاده است و اصلا در مرکب ارتباطی و اعتباری مسانخت در زیاده معتبر نیست و مهم قصد جزئیت است. این مرتبه برای ما واضح نیست، مثل اینکه در قنوت نماز به قصد جزئیت، انگشتر را می چرخاند یا در حال طواف، تقبیل حجر الاسود کند با قصد جزئیت که این جزء طواف است در این موارد صدق زیاده عملیه واضح نیست اما زیاده تشریعیه که اگر حج هم نرود و در رساله بنویسد که تقبیل حجر الاسود جز طواف است، این زیاده تشریعیه در طواف محقق است، بحث در زیاده عملیه است.

البته نماز یک امتیازی نسبت به بقیه اعمال دارد و آن متشکل بودن از مقولات غیر متسانخه مثل رکوع، سجود، قیام، قعود، قنوت و قرائت است و مقداری مسانخ بودن در نماز، صدقش اسهل است؛ لذا افعالی که بسیار بعید است که از اجزای نماز باشد، مثل اینکه در وسط نماز یک لگد به صف عقبی وارد کند، این افعال غیرمتسانخ هستند بخلاف طواف که اجزای آن سنخیت بیشتری باهم دارند اما در نماز در مسانخ بودن مقداری توسعه پیدا کرده است و اگر تکتف هم دلیل نداشت، مبطل نماز نبود اما هم دلیل داریم و هم اینکه ممکن است در ارتکاز متشرعه مسانخ نماز شده باشد.

مرتبه هفتم: جزء غیرمسانخ را بدون قصد جزئیت می آورد که قطعا زیاده صدق نمی کند نه محقق سیستانی و نه محقق خوئی صدق زیاده نمی دانند.

نتیجه این است که زیاده رکوع ایمائی در نماز ایمائی، ولو بدون قصد جزئیت به نظر ما اگر عمدا باشد، مبطل است همانطور که محقق سیستانی فرمودند و اینکه مرحوم آل یاسین در مبطلیت زیاده رکوع ایمائی مطلقا (اعم از سهو و عمد) تشکیک می کنند صحیح نیست در حال سهو ما هم قبول داریم که مبطل نیست اما در حال عمد مبطل است. در غیر نماز ایمایئ بعید نیست بگوییم مبطلیت ندارد ولو عمدا باشد. حالت سهو که مشمول حدیث لاتعاد است.

«مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»[[3]](#footnote-3) اعم از زیاده عمدی و سهوی است اما دلیل داریم که زیاده سهویه در غیر رکوع و سجدتین عرفی مبطل نیست. زیاده سجده واحده سهوا دلیل داریم که مبطل نیست، صحیحه منصور بن حازم: «قَالَ لَا يُعِيدُ صَلَاةً مِنْ سَجْدَةٍ- وَ يُعِيدُهَا مِنْ رَكْعَةٍ»[[4]](#footnote-4) یا زیاده در سائر واجبات غیر رکنیه دلیل داریم که مبطل نیست و فقهایی مانند محقق خوئی، شهید صدر، محقق تبریزی و محقق سیستانی قائلند که روایت لاتعاد بر «مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»[[5]](#footnote-5) حاکم است؛ چون من زاد فی صلاته اگرچه لسانش علیه الاعاده است اما مفادش ارشاد به مانعیت زیاده است و حدیث لاتعاد حاکم بر همه ادله ارشادیه به جزئیت، شرطیت و مانعیت است حتی اگر به لسان علیه الاعاده باشد. البته مرحوم امام خمینی به این حکومت اشکال کردند؛ چون لسان هر دو واحد است؛ علیه الاعاده و لاتعاد الصلاه، ما هم این اشکال را قبول داریم و بر فرض هم تعارض و تساقط کند، اگر دلیل بر مبطل بودن زیاده سهویه رکوع ایمائی نبود، از زیاده سهویه آن برائت جاری می شود.

# مساله 6

صاحب عروه فرمودند:

«إذا كان كالراكع خلقة أو لعارض‌فإن تمكن من الانتصاب و لو بالاعتماد على شي‌ء وجب عليه ذلك لتحصيل القيام الواجب حال القراءة و للركوع و إلا فللركوع فقط فيقوم و ينحني و إن لم يتمكن من ذلك لكن تمكن من الانتصاب في الجملة فكذلك و إن لم يتمكن أصلا فإن تمكن من الانحناء أزيد من المقدار الحاصل بحيث لا يخرج عن حد الركوع وجب و إن لم يتمكن من الزيادة أو كان على أقصى مراتب الركوع بحيث لو انحنى أزيد خرج عن حده فالأحوط له الإيماء بالرأس و إن لم يمكن فبالعينين له تغميضا و للرفع منه فتحا و إلا فينوي به قلبا و يأتي بالذكر‌»[[6]](#footnote-6)

اگر فردی کمرش خمیده است، اگر می تواند نماز ایستاده بخواند ولو اقامه صلب نداشته باشد و بعد به رکوع برود، کافی است، اگر نمی تواند بایستد، اما می تواند یک لحظه قبل از رکوع بایستد ولو با کمک دیگران و بعد به رکوع برود، این کافی است و اگر نمی تواند از حال رکوع و خمیدگی خارج شود، مشهور گفته اند: اگر می تواند به اقل مراتب رکوع برود و بعد به رکوع شرعی برگردد و اگر نمی تواند به اقل مراتب رکوع برود، اگر می تواند بیشتر از حد رکوع شرعی خم بشود (به حدی نباشد که صدق رکوع نکند) و بعد به حد رکوع شرعی برگردد، این کافی است و اگر این کار را هم نمی تواند انجام دهد (نه بالا می تواند برود و نه پایین) صاحب عروه می فرماید: نظر من مثل مشهور این است که در این صورت ایماء به رکوع کند.

محقق خوئی و محقق سیستانی فرمودند: اگر می تواند از حد رکوع به قیام برگردد، این کار را انجام دهد و بعد رکوع کند اما اگر نمی تواند، تکلیف به رکوع قیامی ساقط است؛ چون وقتی همیشه در حالت رکوع است، ارکع در حق او معنا ندارد، ارکع معنایش این نیست که از حداقل رکوع به حداکثر رکوع برود، ارکع یعنی احداث رکوع عن قیام کند و این کار را نمی تواند انجام دهد؛ لذا تکلیف به رکوع اختیاری ساقط است و نوبت به ایماء می رسد.

صاحب جواهر فرمودند: اگر در حد رکوع شرعی هست، بقاء قصد رکوع کند و احداث رکوع عن قیام در حق چنین فردی لازم نیست.

محقق همدانی در دفاع از مشهور فرمودند: قیام کل شخص بحسبه و رکوع کل شخص هم بحسبه است و این فرد قیامش این است که مقداری بالا بیاید و رکوع همین است که مقداری خم بشود.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص102، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/102/%D8%A7%D8%A8%D8%AA%D9%84%DB%8C%D8%AA) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص318.](http://lib.eshia.ir/11005/3/318/%D8%A7%D9%84%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%D9%87) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص355.](http://lib.eshia.ir/11005/3/355/%D8%B2%D8%A7%D8%AF) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص319، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/319/%D8%B1%DA%A9%D8%B9%D9%87) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص355.](http://lib.eshia.ir/11005/3/355/%D8%B2%D8%A7%D8%AF) [↑](#footnote-ref-5)
6. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص667.](http://lib.eshia.ir/10028/1/667/%D8%AE%D9%84%D9%82%D9%87) [↑](#footnote-ref-6)